یادداشت

فرصت ممتاز سوآپ با قفقاز

ابراهیم رضایی‌راد . کارشناس مسائل منطقه

● موقعیت ژئوپلیتیک ایران و همچنین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می‌تواند به موضوع جذابی برای همکاری‌های دوجانبه میان ایران و این کشورها تبدیل شود. قراردادهای سوآپ به نوعی از قراردادها اطلاق می‌شود که کالایی در یک نقطه تحویل گرفته شده و در نقطه‌ای دیگر تحویل داده می‌شود. دسترسی‌نداشتن کشورهای آسیای مرکزی به آب‌های آزاد، سبب تمایل هرچه بیشتر این کشورها به انعقاد این نوع قراردادها می‌شود. برای مثال، در سوآپ نفتی، ایران نفت خام کشورهای آسیای مرکزی را در دریای خزر دریافت کرده و طبق قرارداد منعقدشده، همان میزان نفت دریافتی را در جنوب کشور و در خلیج فارس به مشتریان نفتی این کشورها تحویل می‌دهد. از نقطه‌نظر جغرافیایی، کشور جمهوری آذربایجان از منطقه قفقاز، همچنین ترکمنستان و قزاقستان از آسیای مرکزی، بیشترین تمایل را به انعقاد این نوع قراردادها در زمینه سوآپ نفتی با ایران دارند. کشورهای فوق با وجود تولید و استخراج نفت و همچنین فراورده‌های نفتی، توانایی انتقال کم‌هزینه این کالاها را به مشتریان خود ندارند. از منظر تاریخی، اولین قرارداد در این زمینه میان جمهوری اسلامی ایران و قزاقستان در سال ۱۳۷۵ به امضای مقامات دو طرف رسید. طبق این قرارداد، ایران ضمن دریافت روزانه ۴۰ هزار بشکه نفت خام سبک از قزاقستان در شمال کشور که مورد نیاز پالایشگاه‌های تبریز و تهران است، همین مقدار نفت خام را در خلیج فارس به شرکای تجاری قزاقستان تحویل می‌دهد. ایران با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک مناسب خود می‌تواند نقش پلی برای انتقال کالاهای این کشورها به آب‌های آزاد را ایفا کند.

از مزایای طرح سوآپ نفتی در دریای خزر برای ایران می‌توان به گسترش نفوذ اقتصادی و تبدیل‌شدن کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به‌عنوان بازار محصولات تجاری ایران اشاره کرد. از مزایای دیگر انعقاد این نوع قراردادها می‌توان به کاهش وابستگی‌های کشورهای آسیای مرکزی به روسیه در حوزه انرژی نام برد. ازجمله موانع موجود درباره سوآپ نفتی، نگاه مثبت مسئولان و سیاست‌گذاران حوزه انرژی به این مقوله در ایران است. بهترین مصداق در این مورد، لغو قراردادهای سوآپ نفتی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی از سوی وزارت نفت دولت دهم جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۰ میلادی است. همین امر موجب طرح شکایت این کشورها از ایران در دیوان داوری شد که نتیجه آن، الزام ایران به پرداخت ۵.۵ میلیون دلار شد. مانع بعدی در زمینه همکاری‌های حوزه انرژی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، فدراسیون روسیه است. روسیه به دلیل نقش پررنگ خود در این منطقه به حضور هر بازیگر سومی در منطقه به‌شدت حساس بوده و آن را برنمی‌تابد. همچنین ایالات متحده آمریکا نیز به دلیل حساسیت نسبت به حضور و نفوذ ایران در منطقه آسیای مرکزی، هرگونه همکاری میان ایران و کشورهای این منطقه را به‌عنوان خط قرمز خود تعریف می‌کند. تحریم‌های اعمالی از سوی ایالات متحده آمریکا علیه ایران موجب عدم گسترش همکاری‌های میان ایران و دیگر کشورها در حوزه انرژی شده است.

با مدنظر قرارگرفتن کلیه جوانب روابط میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین موانعی ازجمله تحریم‌های اعمالی از سوی ایالات متحده آمریکا علیه ایران، سوآپ نفتی می‌تواند به‌عنوان فرصتی جهت تعمیق روابط میان ایران و کشورهای فوق ذکر شود. با استفاده از این نوع قراردادها، ایران علاوه بر شکست حصر اقتصادی خود، توانایی درپیش‌گرفتن سیاستی همچون ترکیه در تبدیل آسیای مرکزی و قفقاز به بازار هدف را دارد. گسترش روابط میان ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به نفوذ هرچه بیشتر ایران در این منطقه منجر شده و می‌تواند به یکی از اهرم‌های سیاست خارجی ایران برای جلوگیری از نفوذ ایالات متحده در این منطقه تبدیل شود. در همین راستا، بهره‌گیری از قراردادهای نفتی سوآپ توانایی کمک هرچه بیشتر به این قبیل سیاست‌ها را دارد و به نوعی سیاستی برد-برد برای هر دو طرف خواهد بود. اگرچه درپیش‌گرفتن این سیاست پیشاپیش نیازمند تغییر دیدگاه سیاست‌گذاران حوزه انرژی در ایران نسبت به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است.

صفایی‌فراهانی در گفت‌وگو با «شرق» تأکید کرد

۱۲۹۹ نیست که با یک اقتدارگرا تغییر ایجاد شود

مادامی که استراتژی تغییر نکند، انتخابات تأثیری ندارد

عکس: سهند تاکی، شرق

نفیسه زارع‌کهن: یکی از همین صبح‌های سرد کرونایی زمستانی با مهندس محسن صفایی‌فراهانی در دفتر کارش قرار گذاشتیم؛ با وجود مشغله زیادش ما را پذیرفت و با همان دقت خاصی که دارد، به پرسش‌های ما پاسخ گفت. از او درباره اوضاع و شرایط سیاسی- اقتصادی پرسیدیم و او با حسرت فراوان از کشورهای پیشرفت‌کرده منطقه مانند چین گفت و مثال زد که چگونه مدیرانش متوجه شدند باید رابطه خود را با دنیا بهبود بخشند تا پیشرفت کنند. از بنگلادش گفت و اینکه چگونه بازار نرم‌افزار را از آن خود کرده است. از اینکه چین طی ۱۵ سال ۳۰ هزار کیلومتر اتوبان ساخته و ما هنوز اندر خم ساختن یک اتوبان ۱۳۰ کیلومتری به شمال کشور هستیم. صفایی‌فراهانی از ضرورت تغییر استراتژی‌ها و نگاه کشور و تعامل با جهان گفت و راه برون‌رفت از شرایط پیش‌رو را تغییر نگاه به دنیا دانست و گفت: «تا در جامعه امید به بهبود شرایط ایجاد نشود نمی‌توان امید به موفقیت داشت، تعامل با دنیا و امید در شهروندان ایران‌زمین، تنها راه موفقیت است». او راه کار مشارکت مشروط در انتخابات را بی‌فایده خواند و البته درباره حضور یک فرد اقتدارگرا در رأس دولت آتی گفت: «اکنون سال ۱۹۲۱ (سال کودتای رضاشاه- ۱۲۹۹ شمسی) نیست که فکر کنند با یک فرد اقتدارگرا می‌توان تغییر ایجاد کرد».

همان‌طور که می‌دانید، اغلب صاحب‌نظران شرایط داخلی و بین‌المللی کشور را خوب ارزیابی نمی‌کنند. با توجه به اینکه سال آخر دولت فعلی است و چشم‌انداز روشنی وجود ندارد، با همه فاکتورهایی که خودتان می‌دانید ارزیابی شما از شرایط کنونی کشور چیست؟ به نظرتان به کدام سمت می‌رویم؟

زبان گویا درباره شرایط کشور، آمار و ارقام است! آنچه دولت از طریق مرکز آمار منتشر می‌کند، نشان‌دهنده آن است که در دو پارامتر اصلی یعنی رشد اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری سالانه که تصویر کلی اقتصاد را نمایان می‌کند، در کشور شرایط مناسبی ندارند! طبق همین آمار در ۱۰ سال گذشته در بهترین نگاه متوسط رشد اقتصادی صفر بوده و تولید ناخالص ملی رشد نداشته است! رشد سرمایه‌گذاری هم در طول این مدت منفی شش درصد است! و شرایط کسب‌وکار و فعالیت اقتصادی در جامعه به حداقل و بی‌کاری به حداکثر رسیده است. براساس گزارشی که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سال‌های ۸۱-۸۲ منتشر کرده بود، پیش‌بینی شده بود که اگر متوسط رشد اقتصادی سالانه ایران کمتر از پنج درصد باشد، ناهنجاری‌های اجتماعی به‌شدت جامعه را تحت تأثیر قرار خواهد داد و امروز شاهد نتایج آن پیش‌بینی در کشور هستید. ناهنجاری‌ها در تمام سطوح در حد کنترل‌ناپذیر است و در سال ۹۸ شاهد بخشی از آن و معضلاتی که آفرید، بودید!

در ۳۰ سال گذشته متوسط تورم بالای ۲۰ درصد است و براساس شاخص‌های آذر امسال رشد قیمت‌ها در ۹ ماه گذشته ۴۵ درصد بوده و این نشان‌دهنده فشاری است که به مردم می‌آید. زبان آمار درحال‌حاضر نشان‌دهنده وضع وخیم این بیمار است.

متأسفانه بهانه خوبی به نام تحریم وجود دارد که همه ناتوانی‌ها را پشت آن پنهان کنند!

یعنی معتقدید تحریم‌ها نقشی نداشته است؟

مطمئنا تحریم‌ها بر کشور اثرگذار بوده؛ اما به این صورت نیست که همه این وضعیت وخیم ناشی از تحریم است.

چطور؟

سال‌های ۹۸ و ۹۹ ابعاد تحریم گسترده شد؛ ولی سال‌های ۹۵ تا ۹۸ هم بخشی از همین سال‌هاست که فقط صادرات نفت و میعانات سالانه بالغ بر ۶۰ میلیارد دلار بوده! پس ریشه مشکل در جای دیگر است!

ریشه مشکل کجاست؟

بارها گفته‌ام دو مشکل اساسی داریم. اول تخصص در حکمرانی است که در دنیای امروز از پیچیده‌ترین تخصص‌هاست. کسانی را نیاز داریم که ساختار قدرت جهانی را به‌درستی بشناسند و سیاست‌های اداره کشور را براساس آن شناخت تنظیم کنند و دوم انتخاب سیاست توسعه است که در جهت تعامل با دنیا نیست که باید به پیامدهایش فکر می‌کردند. به نظر من اعمال این سیاست یک‌بعدی بوده و برای جلوگیری از پیامدهای آن، مطلقا چاره‌اندیشی نشده است. معلوم است وقتی تداوم سیاست‌ها برای حضور در منطقه، نه به روش حضور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که مؤثرترین روش نفوذ در دیگر کشورهاست که به روش تقابل انتخاب شد، مسلم است این روش تهدیدهای غرب و عوامل منطقه‌ای آنها را به دنبال دارد و شرایط موجود پیش می‌آید. در دولت اصلاحات که نشست‌های سعدآباد برگزار می‌شد و وزرای خارجه آلمان، فرانسه و انگلیس برای مذاکره به ایران می‌آمدند، دولت گزارشی را خواسته بود که وزارت اقتصاد به کمک بانک مرکزی، وزارت نفت و سازمان برنامه تهیه کند. براساس آن گزارش مشخص بود اگر تحریم‌ها گسترده شود، با توجه به شرایط و نوع برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران، کشور صدمات زیادی خواهد دید.

پس مطالعات و پیش‌بینی‌ها در مقاطعی در کشور انجام شده؛ اما دانش استفاده از نتایج آنها و ادامه مطالعه برای مقابله با شرایط بعدی انجام نشد که نتیجه آن، می‌شود استراتژی محدود یک‌بعدی انتخاب‌شده که نتیجه آن دامن‌گیر همه مردم کشور می‌شود.

با توجه به گفته‌های شما به نظر می‌رسد بیشتر مشکلاتی که در کشور وجود دارد، ناشی از این دیپلماسی است؟ آیا دیپلماسی‌هایی که در برخی موارد اتخاذ کرده‌ایم، در دیدگاه بین‌الملل جای دارد؟ ما چقدر توانسته‌ایم با این دیپلماسی‌ها پیش برویم؟

با توجه به شرایطی که در منطقه هست و همان‌طور که رئیس‌جمهور اعلام کرد، حکومت ایران دفاع از کشورهای مسلمان مدنظر را وظیفه خود می‌داند. در اصل ایران به‌نوعی در درگیری‌های منطقه‌ای به صورت مستقیم و غیرمستقیم حضور دارد و جنگ‌های نیابتی در منطقه بار خودش را برای ایران داشته و دارد.

اینکه بخش اعظم درگیری‌های ما ناشی از نوع مراودات‌مان با آمریکاست، درست است و در رابطه ایران و آمریکا سیاست موجود تا چه زمانی جواب می‌دهد؟ آیا با تغییر دولت‌ها در آمریکا این شرایط تغییر می‌کند؟ چه چیزی باید تغییر کند که بتوانیم این مسئله را حل کنیم؟

به نظرم راهی که انتخاب شده، بن‌بست‌بودنش از سال‌های گذشته خود را نشان داده است. کسینجر در کتاب چین که تجربه آن کشور را کاملا بیان کرده است، از قبل از انقلاب چین (سال ۱۹۴۹) تا به دوره دن شیائوپنگ رسیده است. تصور نسل امروز این است که آنچه در چین امروز اتفاق افتاده، ناشی از تصمیماتی است که دن شیائوپنگ گرفته است؛ درحالی‌که بعد از انقلاب فرهنگی که مائو در چین راه انداخت و با شکست مواجه شد، تصمیمی که مائو با آن شخصیت کاریزمایی که در چین داشت، اتخاذ کرد، زمینه‌ساز این تحولات شد. وقتی انقلاب فرهنگی مائو شکست خورد، خودش متوجه شد نتایج بدی برای آن کشور داشته و (او بسیاری از وزرا، معاونان وزرا و فرماندهان ارتش را در انقلاب فرهنگی به مزارع فرستاد تا کارکردن را از آنجا شروع کنند و به مرور ارتقا بیابند) این اقدام تلفات زیادی را به لحاظ نیروی انسانی به چین تحمیل کرده بود.

آن‌طور که در کتاب چین آمده است، در یک نقطه مائو متوجه تصمیمات اشتباهش شد و به «چو ان لای»، نخست‌وزیر وقت چین، گفت نامه‌ای به سران آمریکا بنویس و این باعث تعجب «چو ان لای» شد؛ چون تا آن زمان شعارهای ضدامپریالیستی یکی از شعارهای عمده کشورهای کمونیست بود و مردم دنیا، چین را دوآتشه‌تر از شوروی سابق می‌شناختند.

به‌این‌ترتیب مائو به نخست‌وزیر خود گفت من هرچه فکر کردم، دیدم راهی نداریم جز اینکه به‌نوعی در اقتصاد دنیا جایی داشته باشیم و راهش هم ارتباط با آمریکاست؛ چون بقیه کشورها از آمریکا تبعیت می‌کنند و بدون اینکه با آمریکا ارتباط داشته باشیم، نمی‌توانیم در این زمینه موفق باشیم.

نامه چو ان لای از طریق پاکستان به نیکسون رسید و پاسخ آن ارسال شد؛ اما باگذشت سه ماه چینی‌ها جواب نامه را ندادند. آمریکا از طریق پاکستان که میانجی بود، بدبینی خود را به پاسخ‌ندادن به چین منتقل کرده، وقتی مائو مطلع شد، از اینکه از ابتدا این بی‌اعتمادی شکل بگیرد، نگران شد! او مطلع شد تیم پینگ‌پنگ آمریکا به همراه تیم ملی چین در ژاپن است. از تیم ملی آمریکا برای رفتن به چین دعوت کردند و برای اینکه به آمریکایی‌ها نشان دهند چقدر به نامه‌ای که ارسال شده است، اعتقاد دارند، دستور داد از تیم پینگ‌پنگ آمریکا در ساختمان ملل چین که مقر ریاست‌جمهوری و رهبری چین است و فقط رهبران جهان را در آن ساختمان ملاقات می‌کنند، استقبال کنند!!

چرا رهبران چین این برخورد را کردند؟ چون در مقطعی احساس کردند با اتکا به شوروی مسئله آنها حل نمی‌شود و یک استراتژی جدید را برای آینده چین نیاز دارند. امروز نتیجه آن اقدام مائو را بعد از حدود ۴۵ سال می‌توان ارزیابی کرد. کشور فقیر چین تبدیل شده است به دومین اقتصاد دنیا و می‌رود که در ۲۰۳۰ اولین اقتصاد دنیا شود. آیا آن تصمیم چین را وابسته به آمریکا کرده است؟ آیا چین در دهه‌های اخیر وابسته به آمریکا بوده است؟ یا با روشن‌نگری دولتمردانش هم رابطه‌اش را با آمریکا حفظ کرده و هم موقعیت خودش را در جهان تثبیت کرده و امروز بدون‌تردید می‌رود که اقتصاد برتر جهان شود و همه اینها مرهون جسارت مائو، رهبر چین، در مقطعی بود که تصمیم گرفت و مردم چین را نجات داد. آنچه در چین گذشت، نشان می‌دهد لزومی ندارد هر کشوری در دنیا بخواهد با غرب تعامل کند، الزاما باید تحت سلطه آنها برود. می‌توان با برنامه‌ریزی از فرصت اقتصاد جهانی مناسب‌ترین شرایط را برای کشور خود فراهم آورد.

بنگلادش بعد از جدایی از پاکستان، کشوری عقب‌افتاده و توسعه‌نیافته بود؛ اما همین بنگلادش در طول سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ درست در دهه‌ای که متوسط رشد اقتصادی ایران صفر بود، ۳۰۰ درصد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه‌اش رشد کرده است.

خانم حسینه که نخست‌وزیر بنگلادش است، عملا کاری کرده که صادرات منسوجات بنگلادش در دنیا رده دوم را به خود اختصاص داده است. همچنین بعد از هند، بنگلادش در تولید نرم‌افزار رتبه دوم جهان را دارا شده است!. حکومت بنگلادش چطور به این توفیقات دست پیدا کرد؟ آیا این کشور زیر یوغ غرب رفته است؟ یا با اتخاذ سیاست‌های منطقی توانسته است در دنیای امروز خودش را با تحولات جهان تطبیق دهد. پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که در سال ۲۰۳۰ چین رتبه اول اقتصاد دنیا می‌شود و بعد از آن آمریکا و هند خواهند بود. این نشان‌دهنده این است که رهبران چین و هند در چهار دهه گذشته با آینده‌نگری و شناخت ظرف و دینامیک جهانی و ساختار قدرت جهان، جایگاه خود را چگونه ارتقا دادند. شناخت دقیق آینده دنیا واقعا مقوله‌ای است که مسئولان به مطالعه آگاهانه از آن نیاز وافر دارد؛ امری که تاکنون فراموش شده است.

پس به نظرتان ایران هم باید راه ۴۰ سال قبل چین را برود؟ (به طور کل رویکردش به غرب را تغییر دهد تا بهبود و گشایشی حاصل شود).

مسئولان کشور نیاز به شناخت دقیق از شرایط و روابط اقتصادی و سیاسی منطقه و جهان دارند و در پی آن هیچ راهی به جز تعامل با دنیا ندارند. نمی‌توانند در بازارهای جهانی حضور نداشته باشند، وقتی بازارهای جهانی این‌همه در تولید ناخالص ملی کشورهای دنیا تأثیر مستقیم دارند، نمی‌توانی در زنجیره تولید جهانی جایی نداشته باشی، روزی که تولید پیکان را ایران شروع کرد، کره جنوبی هیوندایی را. امروز هیوندایی در اتومبیل‌های دنیا چه جایگاهی دارد و پیکان ایران کجاست؟ با محدودنگریستن به دنیا نمی‌توان در کشور تحول ایجاد کرد!

باید بررسی کرد چرا تحصیل‌کرده‌های ایران در حال مهاجرت از کشور هستند؟ گزارش صندوق بین‌المللی پول حاکی از این است که ایران رتبه نخست را در مهاجرت مغزها دارد. کشوری که تا سال ۱۹۸۰ مهاجرت مغزها در آن نزدیک به صفر بوده است، امروز جایگاه اول دنیا را دارد. این فاجعه است؛ یعنی هرچه نیروی تحصیل‌کرده توانمند در کشور تولید می‌شود، مهاجرت می‌کند. گزارش‌ها حاکی از آن است که قریب به اتفاق المپیادی‌ها کشور را ترک کرده‌اند!

امروز آمارها حاکی از فرار شدید مغزها و سرمایه از کشور است، سالانه به طور متوسط بیش از ۱۰ میلیارد دلار خروج سرمایه در ۱۰ سال گذشته اتفاق افتاده است.

جالب است بدانید سال گذشته گوگل تصمیم گرفته ۱۰ میلیارد دلار در هند سرمایه‌گذاری کند. چرا؟ چون هند بزرگ‌ترین تولیدکننده نرم‌افزار جهان شده است. ایران با همه سابقه تاریخی خود کجای این داستان است؟ جوان ایرانی چرا باید از ایران مهاجرت کند؟ و گوگل از آن طرف دنیا در هند سرمایه‌گذاری کند که جوان هندی نرم‌افزار تولید کند! آیا کسی اصلا نگران آینده جوانان این کشور هست؟ وقتی سرمایه‌گذاری صنعتی کشور ۱۰ سال است که رشد منفی دارد، یعنی چه؟ یعنی هیچ روزنه‌ای برای اشتغال جوانان در این جامعه بزرگ دیده نمی‌شود! یکی از علل فرار مغزها، نتیجه عدم سرمایه‌گذاری مناسب در داخل کشور است. جوان وقتی تحصیل می‌کند و بازار کاری وجود ندارد، طبیعی است که در کشور دیگری دنبال بازار کار می‌گردد، مسئولیتش با کیست؟ با کسانی که سیاست‌های کلان کشور را طراحی و تصویب می‌کنند! قرار بوده در ۱۴۰۴ ایران اقتصاد اول منطقه باشد! الان کجاست؟ طبق پیش‌بینی‌ها در سال ۲۰۳۰ روسیه اقتصاد دهم دنیا، عربستان اقتصاد هجدهم دنیا و ترکیه اقتصاد بیستم دنیا می‌شود. ایران قرار بود اقتصاد اول منطقه باشد. آیا سیاست‌های اتخاذشده، کشور را در همین مسیر قرار داده است؟ آیا این شرایط موجود جزء نگرانی‌های مقامات ارشد کشور هست؟ آیا آنها در تصویب استراتژی‌ها به این می‌اندیشند که نتیجه سیاست‌گذاری‌ها مردم کشور را در چه شرایطی قرار داده است؟ متأسفانه هدف و گفته‌ها با هم مغایرت دارند؛ نمی‌شود این دو در تناقض باشند و نتیجه مطلوب حاصل شود.

تطبیق‌دادن اهداف مسئولان و سیاست‌های اجرائی با چه کسی است؟ از ابتدای انقلاب تاکنون انواع دولت‌ها (سازندگی، اصلاح‌طلب، اصولگرا و اعتدال) را داشته‌ایم و این تطابق صورت نگرفته است؟

اگر منظور شما این است که دولت به‌عنوان قوه مجریه این کار را انجام دهد، با توجه به قانون اساسی حاضر، رئیس قوه مجریه کمتر از ۲۰ درصد اختیارات اداره کشور را دارد و تعیین استراتژی و چشم‌انداز اداره بلندمدت کشور با قوه مجریه نیست. به‌جز دولت آقای احمدی‌نژاد که در شش سال اول عمر هشت‌ساله دولتش که همه ارکان حاکمیت با او همراه بودند، در دور دوم آقای هاشمی، دو دوره آقای خاتمی، دو دوره آقای روحانی و دو سال آخر دولت آقای احمدی‌نژاد، همیشه قوه مجریه با تنش‌های مستمر روبه‌رو بوده است. کدام ارکان حکومت با اینها همسو بودند؟ همسویی فقط به کلام نیست؛ باید اهداف ملی را با هم پیش ببرند. در دوره آقای هاشمی، وقتی ایشان به آمریکا برای اجلاس سالانه سازمان ملل رفتند، نشستی با ایرانیان مقیم آمریکا داشتند و از آنها برای آمدن به ایران دعوت کردند. ازجمله افرادی که به ایران آمد، سرمایه‌گذاری بود که شهرک اکباتان را ساخته بود. ایشان پیشنهاد داد من اتوبان تهران- شمال را حاضرم سرمایه‌گذاری کنم و چهارساله بسازم، در عوض شما تا مدتی عوارض این راه را به من بدهید و اجازه دهید دو شهرک مشابه اکباتان در دو سوی این راه بسازم و همه اینها را با سرمایه خودم انجام می‌دهم، فقط به من تضمین بدهید که سرمایه‌ام را مصادره نمی‌کنید.

متأسفانه بلافاصله تنش بالا گرفت که داخلی‌ها خودشان هم می‌توانند این کار را انجام دهند و از دولت هاشمی تا الان، هنوز نصف این راه هم ساخته نشده است! شاید جوک به نظر برسد، ولی واقعیت کشور ما این است. ما در مقایسه با دنیا با چه سرعتی جلو می‌رویم؟ چین در ۱۵ سال گذشته، ۳۰ هزار کیلومتر اتوبان ساخته، این در حالی است که اتوبان تهران- شمال ۱۳۰ کیلومتر است. جالب است بدانید چینی‌ها از مرز چین و پاکستان به بندر گوادر نزدیک چابهار ایران اتوبان کشیده‌اند و این اتوبان شش‌باندی هزارکیلومتری را طی سه‌سال‌ونیم ساخته‌اند و تصمیم دارند بندر گوادر را بندر بزرگی برای واردات و صادرات کالاهای چینی کنند؛ یعنی کالای چینی را به کشورهای حوزه آفریقا و خاورمیانه برسانند!

در این میان، ما چه کرده‌ایم؟ چین امروز نه آمریکاست و نه کشور توسعه‌یافته اروپایی، پس چطور به‌عنوان یک کشور جهان‌سومی این‌طور جلو می‌رود؟

ایران کجای این برنامه‌ریزی دنیاست؟ مایی که هنوز برای رسیدن به آب‌های خلیج فارس یک اتوبان با استانداردهای روز دنیا نساخته‌ایم، هنوز برای تهران به بندرعباس یک راه‌آهن دوخطه با سرعت متداول دنیا نداریم، در سال‌های ۸۳ تا ۱۳۹۳ بالغ بر ۸۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی بود، فقط در سال ۸۹ ایران ۱۱۸ میلیارد درآمد نفتی داشت، چه اتفاقی رخ داد، چه سرمایه‌گذاری‌ای انجام شد که صادرات آن امروز جای نفت را بگیرد؟

ادامه در صفحه ۵

دریچه

موضع‌گیری‌های برجامی قطر، عمان، اسرائیل و دیگران

پیشنهاد ریش‌سفیدی شیوخ

● **شرق:** دوباره عمان و وساطت بین تهران و واشنگتن. این بار نوبت وزیر خارجه جدید عمان شد که پیشنهاد میانجیگری بین ایران و آمریکا بدهد. بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان که جانشین یوسف بن‌علوی شده است، از آمادگی کشورش برای نجات برجام خبر داده است. این اظهارنظر البته یک روز بعد از موضع‌گیری مشابهی از سوی قطری‌ها انجام شده است. این موضع‌گیری‌ها البته در حالی انجام می‌شود که به نظر نمی‌رسد بحث میان تهران و واشنگتن در این مرحله چندان قابلیت ورود میانجی داشته باشد یا لااقل ورود کسی غیر از جوسپ بورل که به‌عنوان نماینده دیپلماتیک اتحادیه اروپا در متن برجام جایگاه هماهنگ‌کننده را دارد، چنان‌که بعضی موضع‌گیری‌های رئیس‌جمهور فرانسه در این زمینه نیز با واکنش سرد مواجه شده است. از سوی دیگر، قطر و عمان در حالی با این پیشنهادات، عملا حمایت خود را از توافق هسته‌ای مطرح می‌کنند که دیگر قدرت منطقه‌ای یعنی عربستان سعودی، در تلاش برای ورود و تغییر روند برجام بوده است. درعین‌حال، مقامات ایران و آمریکا بار دیگر بر مواضع خود درباره لزوم اولویت اقدام طرف مقابل پافشاری کرده‌اند و اروپایی‌ها نیز بار دیگر اقدامات ایران در برنامه هسته‌ای را نگران‌کننده خوانده‌اند. اما از سوی دیگر خبر رسید که اسرائیل برای تعامل با دولت جدید ایالات متحده در مسئله برجام، نماینده ویژه تعیین کرده است.

جانشین بن‌علوی در مسیر سلف

البوسعیدی که پس از دو دهه، صدارت دستگاه دیپلماسی را از بن‌علوی گرفته است، با موضع‌گیری اخیرش درباره توافق هسته‌ای عملا تمایل خود را به نقش‌آفرینی در همان مسیری نشان داده است که بن‌علوی به آن مشهور شده بود. به گزارش ایسنا، به نقل از اسپوتنیک، وزیر خارجه عمان گفته است مسقط آماده کمک برای نجات توافق هسته‌ای است. البوسعیدی همچنین تأکید کرد که کشورش از سطح فعلی روابط با اسرائیل رضایت دارد و در پی افزایش آن نیست. این موضع‌گیری‌ها به نظر بناست تأکیدی بر حفظ سطح پیشین روابط با ایران و جایگاه عمان در میانه تهران و واشنگتن باشد. هرچند با توجه به اینکه در دوران مذاکرات برجام، تابوی گفت‌وگوی مستقیم بین مقامات ایرانی و آمریکایی شکسته است و با وجود توافق مثل برجام که ایران و ایالات متحده را دو طرف خود دارد، بحث واسطه‌گری به شکلی که عمان پیش‌تر به آن مشغول بود و بن‌علوی با ارسال و دریافت پیام بین دو طرف آن را هدایت می‌کرد، تا حدی از موضوعیت افتاده است.

قطر به دنبال نقش‌آفرینی

دوحه اما به نظر می‌رسد بعد از عبور از بحران چندساله‌اش با ریاض و در فضای جدیدی که در غیاب دونالد ترامپ ایجاد شده، قصد دارد بر جایگاه خودش در صحنه سیاسی منطقه به‌عنوان کشوری که نه به اندازه عمان، اما به‌هرحال به ایران نزدیک است، تأکید کند. به گزارش ایسنا به نقل از شبکه الجزیره، وزارت امور خارجه گفت که شیخ محمد بن عبدالرحمان الثانی وزیر امور خارجه قطر اظهار کرده است که کشورش در تلاش است از طریق حمایت از بازگشت به توافق هسته‌ای، در منطقه تنش‌زدایی کند. اظهارات عبدالرحمان آل ثانی در دو گزارش جداگانه از تماس او با رابرت مالی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران و جیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا در هفته گذشته آمده است. وزیر امور خارجه قطر در این راستا گفت: «کشور قطر از طریق روندی سیاسی و دیپلماتیک برای بازگشت [آمریکا] به توافق هسته‌ای، در تلاش است که تنش‌زدایی کند». آل ثانی علاوه‌براین گفت که ارتباط قطر هم با ایران و هم با آمریکا با توجه به پیوندهای راهبردی قطر با این دو کشور، ادامه دارد.

ادامه تلاش اسرائیل برای تأثیرگذاری

دیروز اما رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند نخست‌وزیر اسرائیل نماینده ویژه‌ای برای تعاملات اسرائیل درباره برجام تعیین کرده است. طبق این گزارش‌ها، مئیر بن شابات، مشاور امنیت ملی اسرائیل به‌عنوان مسئول مذاکرات با دولت بایدن، قدرت‌های جهانی و شرکای منطقه‌ای در موضوع توافق هسته‌ای ایران منصوب شده است. بن شابات دیروز همچنین بار دیگر با جیک سالیوان، همتای اسرائیلی خود تماسی داشت که رسانه‌ها آن را طولانی توصیف کرده‌اند. درعین‌حال این حقیقت که بعد از سه هفته سرانجام کاخ سفید از تماس قریب‌الوقوع بین بایدن و نتانیاهو خبر داده است، نیز درخورتوجه است. درحالی‌که اسرائیل معمولا از اولین طرف‌های تماس رؤسای جمهور جدید آمریکاست، از دید برخی، نزدیکی انتخابات اسرائیل در کنار تنش‌های بین نتانیاهو و باراک اوباما در دوران معاون‌اولی بایدن و نیز رویکرد او در قبال دونالد ترامپ باعث شده است رئیس‌جمهور جدید آمریکا عجله‌ای برای تماس با نتانیاهو نداشته باشد. درعین‌حال نکته درخورتوجه این است که اواسط هفته گذشته، تایمز آو اسرائیل خبر داده بود ارتش اسرائیل در گزارش سالانه امنیتی خود به این نتیجه رسیده است که دستیابی ایران و آمریکا به‌نوعی توافق تقریبا قطعی است و حالا اسرائیل تنها بر این تمرکز دارد که طرف‌های توافق را قانع کند ایران برای همیشه از غنی‌سازی ۹۰درصدی منع شود.

ادامه در صفحه ۹

آگهی موضوع۳ قانون وماده۱۳ این نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابرکلاسه پرونده شماره ۱۳۹۸۱۱۴۴۱۰۰۱۸۰۰۱۰۶۵و رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۱۰۰۱۸۰۰۸۸۲۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک عباس اباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اقای/خانم رقیه جواد زاد اهنی فرزند محمد حسین به شماره شناسنامه ۳۰۴ صادره از تبریز شندانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۷۳۵.۸۸ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۶۴ فرعی از ۶ اصلی واقع در قریه پسنده علیا بخش دو ثبت عباس اباد دارای سند مشاعی محرز گردیده است .. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین اگهی به مدت دو ماه اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد.م الف ۱۹۹۰۹۶۰۷

تاریخ انتشار اول: ۲۵-۱۱-۱۳۹۹ تاریخ انتشار دوم: ۹-۱۲-۱۳۹۹

ابراهیم حسین زاده سرپرست ثبت اسناد و املاک شهرستان عباس اباد

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE

@ SHARGHDAILY.IR

شرکت ملی نفت ایران

شرکت نفت و گاز اروندان

آگهی عمومی ارزیابی کیفی متاقصه گران

مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره ۹۹/۴۵۶ م م ت

موضوع :خرید قطعات یدکی F&G

جهت منطقه غرب کارون

نوبت اول

شماره مجوز:۱۳۹۹.۶۸۶۳

شرکت نفت وگاز اروندان (خریدار) در نظر دارد خرید کالای موضوع فوق را از طریق شرکت های تامین کننده داخلی واجد صلاحیت تامین نماید . لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر و چگونگی حضور در این مناقصه به وب سایت شرکت نفت وگاز اروندان به آدرس AOGC.ir مراجعه فرمایید.

در صورت نیاز با شماره تلفن کمیسیون مناقصات ۸۸۷۲۴۲۵۶-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان